

نقد نظرات



درباره «سازمان انقلابی»

افشای سازمان انقلابی افشای سازش و خیانت است

نقل از :

هفته نامه

رهائی

نشریه

سازمان وحدت

کمونیستی

درباره «سازمان انقلابی»

افشای سازمان انقلابی افشای سازش و خیانت است

محسن جمالزاده

"به جمهوری اسلامی رأی دهیم"

"جمهوری اسلامی مبارک باد"

"به هنگام ورود مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت در ایام نوروز ضمن نصب پلاکتهای خوش‌آمد پلاکتهای دیگری بزبانهای عربی و فارسی در تائید و ادامه و تحکیم انقلاب اسلامی ایران و وحدت خلقهای ایران برافراشته ساخت".

"آنها (کمونیستها - نویسنده) میخواهند کارگران بیکار را به جنگ دولت‌کشانده و دولت را وادارند تا به سرکوب کارگران بیکار بپردازند. بدین طریق آنها کارگران را از انقلاب دور کرده و دولت را دیکتاتور و سرکوبگر معرفی مینمایند".

"دسته دیگر از تفرقه افکنان تحت نام "دفاع از مکراسی" عمل میکنند. آنها مترصدند تا از هر فرصتی برای ایجاد سوءظن و ایجاد شک و بدبینی نسبت به دولت و کمیته‌های امام و انقلاب اسلامی سوءاستفاده کنند".

"آنها (آزادی خواهان-نویسنده) از هر مسئله‌ای / از حجاب گرفته تا بیکاری و دستگیری فرزندان آقای طالقانی سوءاستفاده می‌کنند که مکراسی نیست آزادی نیست و استبداد و فاشیسم دینی و اسلامی در حال شکل گرفتن است".

"پایه تودهای سرسختان راست را پایه انقلابی است که به علت عدم رهبری راستین در تمام سطوح و توطئه‌های دشمن / خلاء موجود بدنبال سرسختان برآه افتاده و برای دفاع از انقلاب بسیج است و نه برای سرکوب آن".

"چرا "آیندگان" به چنین عاقبتی دچار شد؟ علت اساسی را باید در خط مشی سیاسی این نشریه یافت. خط مشی ضدیت با انقلاب

اسلامی توده‌های میلیونی خلق / نفی دست آوردهای بزرگ انقلاب
بزرگ کردن کمبودها / منفی گرایی / برانگیختن ناراضیها و سمت دادن
آن بسوی تضعیف انقلاب و رهبری آن .
" بیانیه‌گروهي از طلاب حوزه علمیه قم : بسم الله قاسم لجبارين و
المنافقين ."

" قیام هرات : آنچه در زیر میخوانید بخشی از اخبار این مبارزات
است که از نشریه " سوم عقرب " گرفته شده است .
" قیام کارگران و کارمندان استقلال طلب و آزادیخواه کیهان به پیروزی
رسید و کیهان تولدی تازه یافت .
" در کشور ما جنبش تاریخی و انقلاب اسلامی موجود بوده و انقلاب کسوفی
ما نیز این بزجم به پیروزی رسیده است .
" ایران آینده ما از ایران گذشته و حال ما بیرون خواهد آمد / فرهنگ
آینده ما / معنیهای آن نمیتواند جدا از فرهنگ گذشته و کسوفی
ما باشد . جامعه ما را از اسلام نمیتوان جدا کرد ."

آنچه در بالا نقل گردید علیرغم تشابه فراوان مفاهیم و حتی جملات /
نوشته بچاپ فدائیان اسلام / حزب الله و یا حتی حزب جمهوری اسلامی
نمیباشد / بلکه از جمله خزعبلاتی است که سراسر روزنامه رنجبیر
ارگان مرکزی سازمان انقلابی را پوشانده است .
تعجب نکید ! اینها راه آوردهای سیاسی و تئوریک سازمانی است
که مدعی ه اساک مبارزه بی امان علیه استبداد و امپریالیسم و کلیسه
مشی‌های انحرافی درون جنبش کمونیستی است . سازمانی که بقول
خودشان سهم کوچک اما مهمی در راه گسترش سوسیالیسم علمی در
ایران بعهدہ دارد .

تعجب نکید ! چه براستی کارنامه سازمان انقلابی در پانزده سال
گذشته محشون از فداکاریها !! و غنی از تجارب تئوریک !! و بیانگر

خط مشی راستین پرولتری است!! "دوستان" سازمان "انقلابی" معجونی از تمام خصائل "کمونیستهای از سرشت ویژه" را در پراکتیک پانزده ساله خویش بنمایش گذارده‌اند / و بقول ما گسیه گورکی جنازه هر تشیع جنازه و عروس هر عروسی بوده‌اند.

"انقلابی" چوهای ما / دیروز با ریش گوارائی خود و چکه و پوتین سربازی / در شهرهای اروپا و امریکا در فکر براه انداختن جنگ چریکی و احیاء حزب طبقه کارگر بوده‌اند / و بعد از دهات چین قصد محاصره شهرهای ایران داشته / سپس از تلویزیون سر در آورده و بسا کک پرویز ثابتی و پنجم تن العبدان شوهای تبلیغاتی را براه انداخته‌اند و با کک ساواک سازمان آزادیبخش خلقهای ایران (سیروس نهاوندی) را بی‌ریزی نمودند / و امروز در مسلحه و محاربهها تسبیح میگردانند و بر- ای سرپلندی اسلام تکبیر سر می‌دهند. و این نه کم‌ونه زیاد کارنامه درخشان فرزندان خلف حزب بوده ایران است.

"انقلابی" چوهای ما همواره بنده و عبید و سجده‌گزار بوده‌اند / روزی کعبهشان مسکو بود / روزی گویا / سپهر چین باشد چهار نفس و بعد نیز چین هوا کوفتگی و امروز در نهایت ارتداد به سجده مدینه و کعبه مشغولند.

آنانوی سازمان "انقلابی" به بهترین وجهی بیانگر عمیق ارتجائی تئوری عوام‌فریبانه "خلق پرستی" است. تئوری که هیچگاه از فوای سوی ایده‌های متحجرانه و عقب مانده عبودیت فوای نرفته / هیچگاه به تحلیل دقیق جامعه همت نگماشته و همواره با ایده‌های انتزاعی و مفاهیم عادی چون "خلق"، "توده" به خیال خویش سرمایه داری و امپریالیسم را به مصاف می‌طلبند / ولی در عمل به خرسواری بسوزواری تبدیل میگردند.

"خلق پرستی" که حتی از "خلق پرستی" نارود نیکی نیز عقب افتاده تر است و بیش از آنکه نشانه‌ای از مبارزه جوشی نارود نیکی در آن مشهود باشد / تکین مسیح وار و عبیدی کنفیوس گونه را تبلیغ میکند. سوسیالیسم سازمان انقلابی حتی از سوسیالیسم "اون" نیز عقب-

مانده تراست سوسیالیسم اینان خود مذهب جدیدی است که به آل
محمد / آل مائو و دیگر شرکا اضافه میکند! سوسیالیسمی که کتاب آسمانی
خویش - کتاب سرخ - را نیز جز راه آورده‌های الهی می‌شمارد.
با این حال بررسی بعضی از نقطه نظرات و تئوریهای مشعشعانه
آنان خالی از لطف نیست! چه نتنها باعث انبساط خاطر میگردد،
بلکه کفکی است در افشای تئوری ورشکسته کسانی که تا همین چندی پیش
شاه و سادات را مستقل و ملی می‌شماردند! افشای سازمان "انقلابی"
افشای سازش و سازش کاری و پاک کردن ساحت جنبش کمونیستی از اپورتونیسیم
و ارتداد میباشد.

سازمان انقلابی و مبارزه طبقاتی

در تئوریهای خلقی سازمان "انقلابی" آنچه که معنا و مفهومی ندارد
مبارزه طبقاتی است. در نزد سازمان "انقلابی" جایگاه کارگران و جنبش
کارگری در حد محللین ساده و بی مایه بورژوازی تقلید پیدا نموده و
طرح خواستههای آنها - چه از جانب خود کارگران و چه از جانب
سازمانهای سیاسی طرفدار طبقه کارگر - چپ روی و حتی خدمت به
سوسیال امپریالیسم روسیه تلقی میگردد. سازمان انقلابی بر آنست که
طرح چنین شعارهایی باعث رنجش خاطر سرمایه داران "ملی" میشود
و آنان را از دامان انقلاب رهانده و به ورطه امپریالیسم و ضد انقلاب
میکشاند. در تز انقلاب اسلامی سازمان "انقلابی" که بالاخره معلوم نیست
در کدام رده انقلابی جهانی قرار دارد، پرولتاریا در مبارزه شرکت
مینماید تا شدت استثمار طبقاتی را کاهش داده و بجای آنان بورژوازی
ملی را که گویا با نیت خیر استثمار مینماید به عرش دولت برساند.
بی جهت نیست که اینان در تعریف دولت بازرگان / مفهوم مارکسیستی
دولت را "فراموش" مینمایند و در دولت ایشان دیکتاتوری طبقاتی را
ملاحظه نموده و مینویسند

"بدین طریق آنها کارگران را از انقلاب دور کرده و دولت

رادیکاتور و سرکوبگر معرفی مینماید."

(رنجبر شماره ۵)

و در تحلیلشان از انقلاب میگویند :

" سرمایه داران متوسط و ملی / کسانی که به برکت يك جنبش بزرگ انقلابی آزادیخواهانه به قدرت رسیده‌اند . . . آنها بسرای ادامه و تحکیم حکومت خود / بویژه در شرایط کنونی محتاج حمایت توده های خلق‌اند .

(رنجبر شماره ۸)

بعبارت دیگر مبارزه طبقاتی در نزد سازمان انقلابی بدین معنی است که " توده های وسیع خلق " را به حمایت از " سرمایه داران متوسط و ملی " بسیج نمایند و بدین سان راه حاکمیت " خلقی " را در ایران استوار نمایند .

اینان حتی از دوستان اسلامی خویش نیز عقب مانده ترند چه اگر آنان در قرضیه های شان و در وعده و وعیدهای شان مبلغ جا معه بی " طبقه توحیدی " میباشند سازمان " انقلابی " خواهان ایجاد " عدالت " و کاهش استثمار است . (رنجبر شماره ۱)

اگر در فرضیه " موحدین " مسئله الغای استثمار است ، در فرضیه " انقلابی چی ها " برقراری استثمار اما با شرایط نوین و با بهره کمتر مسئله اساسی مبارزه است در حقیقت سازمان انقلابی ، مبلغ همان تزی میگردد که دشمن خویش پنداشته اش حزب توده مبلغ آنست این هر دو جریانهای انحرافی

مبلغ انقلاب بورژوازمکرانیک و ایجاد حکومت خلقی انست
حکومتچند طبقه ای که گویا در آن منافع کارگران با منافع
بورژوازی ملی نه تنها در تضاد نبوده بلکه طبیعتاً "مقارن
میباشند و همه اقشار و طبقات ملی صرفنظر از جایگاه طبقاتیشان
در مقابل امپریالیسم دارای منافع مشترک بایکدیگرند.
مادر گذشته در کتاب "اندیشه مائوتسه دون و سیاست
خارجی چین" به تفصیل در مورد حکومت تمام خلقی و مقوله تضاد
سخن گفته و نشان داده ایم که مارکسیسم چینی هیچگونه
قرابتی با سوسیالیسم علمی ندارد و گفتیم که در تضاد "مائوتسه -
دون تضاد طبقاتی در حدیک مقوله اخلاقی تنزل میابد، مقوله
اخلاقی که حل آن در گرو اخلاق و شیوه پرولتاریا میباشد.
همچنین در جزوه "بحران سیاسی - اقتصادی رژیم ونقش
نیروهای چپ" به تفصیل در مورد افسانه بورژوازی ملی سخن
گفته ایم و در اینجا صرفاً اشاراتی به این مقولات که پایه
بینش اساسی سازمان "انقلابی" و دیگر جریانات مشابه رویزیو-
نیست میباشد اشاره ای میکنیم.

افسانه بورژوازی ملی

درتز انقلاب دموکراتیک رویزیونیستها طبقه ای خاص به
نام بورژوازی ملی وجود دارد که با امپریالیسم دارای "تضاد"
بوده و یکی از کردان های مبارزه خلق علیه امپریالیسم میباشد
ما مختصراً به بررسی این ادعا خواهیم پرداخت

لنین در مورد تعریف طبقات میگوید:

طبقات گروههای بزرگ انسانی است که از جهت مقامشان در سیستم معین تولید اجتماعی، از جهت رابطه شان با وسائل تولید که اکثر ادرقانون تحکیم وفرمولبندی شده است از جهت سهمشان در سازمان اجتماعی کار و لئذا درجهت شیوهی دریافت ونیز آن ثروت اجتماعی که در دست دارند بایکدیگر متفاوتند. طبقات آنچنان گروههایی از مردم هستند که از آن هایکی میتواند کار دیگری را ببرکت اختلاف مقام در نظام معین اقتصادی اجتماعی بخسود اختصاص دهد."

به عقیده لنین جایگاه طبقات " از جهت مقامشان در سیستم معین تولید اجتماعی از جهت رابطه شان با وسائل تولید..." مشخص میگردد و هیچگونه پسوندی اعم از ملی / کمپرادور و وابسته نمیتواند بر روی واقعیت " اختلاف مقام در نظام معین اقتصادی - اجتماعی" سرپوش گذارد. بورژوازی با هر پسوندی باید " کار دیگری را به برکت اختلاف مقام در نظام معین اقتصادی - اجتماعی به خود اختصاص دهد". اما به زعم مائوئیستهای وطنی ما بورژوازی هنگامی که بازار محلی را در دست دارد / ملی است و از این رو ضدامپریالیست و جزئ توده های انقلابی خلق است و هنگامی که به نحوی از انحاء در بازار جهانی سهم مییابد (چه وابستأ و چه کمپرادور) / بورژوازی ارتجاعی و ضد خلق است. بورژوازی از دید مائوئیستها نه " از جهت مقامشان در سیستم معین تولید اجتماعی و رابطه اش با وسائل تولید..." بلکه در چگونگی میزان نفوذشان در بازار مورد سنجش قرار میگیرند. تملك بازار چه محلی و چه جهانی در ماهیت و حتی شدت استثمار تغییری حاصل نمینماید. بر فرض آنکه حتی وجود بازارهای محلی در دوران ادغام سرمایه داری جهانی که طبیعتاً بازار را نیز جهانی نموده است حقیقت داشته باشد / این بورژوازی دقیقاً بدین علت که لازمه ادامه حیاتش بهره برداری از ارزش اضافی تولید شده

توسط کارگران است هیچگاه نمیتواند با پرولتاریای محلی خویش و در بازار محلی خویش دارای منافع مشترک باشد. چه اگر دقیقاً نیز اینگونه بود باز بورژوازی مجبور به تسخیر بازار بیشتر و استثمار بیشتر کارگران میگردد. با این حال منافع طبقات اجتماعی نیز دقیقاً بر حسب جایگاه اجتماعیشان تعریف میگردند و نه ویژگیهای بازاریکه در برگرفته آن سیستم معین اقتصادی و اجتماعی است. محلی بودن یا جهانی بودن بازار تنها بیانگر درجه معینی از رشد بورژوازی میباشد و در ماهیت مناسبات سرمایه داری تغییری ایجاد نمینماید.

اما حتی فرض موجود بازار محلی / در عصر صدور

سرمایه امپریالیستی / فرضی غلط است.

ایجاد انحصارات بزرگ بین المللی و گسترش سرمایه گذاریهای خارج از محدوده متروپل که لازمه آن تسخیر بازارهای جهانی بوده است.

اساساً مرز بین سرمایه ملی و "غیر ملی" و از این رو بازار را بنفع سیستم جهانی سرمایه داری از بین برده است. سالهاست که دیگر نه سرمایه نه کالا هیچکدام برای خویش مرزی نمیشناسد و کوچکترین قصات و دهات را نیز بنفع خود تسخیر نموده اند.

بورژوازی ملی آقایان در ایران از همان سال ۱۳۳۲ به بعد بود که آغوش خویش را بر روی سرمایه داری جهانی گشوده و چون طفلی از پستان کشور متروپل تغذیه مینماید / بازرگان و بازرگانها که سازمان انقلابی و دیگر جریانهای مشابه آنها را نمایندگان بورژوازی ملی میخوانند - سالهاست که ریسمان سرمایه داری جهانی را به گردن خویش بسته اند و در راه استثمار زحمتکشان ایران بنفع سرمایه جهانی مشغولند. دولت تمام خلقی "همان دولت سرمایه داری است و بازرگان منتخب امام و شرکا" وی و در دولت جز نمایندگان دست دوم سرمایه داری نمیشاندند.

حکومت خلقی و تضاد آشتی ناپذیر

مکمل تر بورژوازی ملی سازمان انقلابی / تز حکومت خلق و حکومت ملی است. در اینجا نیز سازمان انقلابی به تکرار رونویسی مارکسیسم چینی میپردازد. در تئوری سازمان "انقلابی" دولت لزوماً نماینده یک نیروی اجتماعی خاص نبوده و میتواند تمام خلق را در درون خویش جای دهد. دولتی تمام خلقی که منافعش با منافع کارگران در تضاد نمی باشد. انقلابی چوهای ما مینویسند:

بنظر ما تضاد کارگران با این دولت تضادی خصمانه و آشتی ناپذیر نیست بحران اقتصادی و بیکاری ناشی از آن نتیجه عملکردهای دولت انقلابی نبوده / این تضادها میتواند و باید از طریق صالمت آمیز و مشورتی برنامه ریزی مشترک کارگران و دولت بر اساس سود متقابل حل و فصل گردد. . . . دولت باید به نمایندگی از طرف خلق این صنایع را رأساً تحت کنترل خود گرفته و با تصفیه مدیریت سابق قدم به قدم وابستگی آنان به خارج را قطع نماید".

(رنجبر شماره ۵ - سال اول)

در تئوری دولت خلق برداشت مارکسیستی از دولت بدست فراموشی سپرده میشود. آنچه که بنظر لنین ماشینی برای حفظ سیادت یک طبقه به طبقه دیگر است" به نظر سازمان انقلابی به پدیده‌های تبدیل میگردد که کارگران میتوانند با آن "مشورت و برنامه ریزی مشترک" داشته و با تفاهم مشکلاتشان را بر اساس سود متقابل حل و فصل نمایند. گویا جامعه تجارت خانه بزرگی است که بورژوازی و کارگران مشترکاً به اداره آن پرداخته اند و در آخر هر سال سود بدست آمده را در میان خودشان عادلانه تقسیم مینمایند / و اگر هم احیاناً سو"تفاهمی بر سر تقسیم سود بدست آمد به نزد قاضی شرع رفته دوستانه مسائل را حل و فصل مینمایند. . . . در چنین تجارتخانه ای دولت نماینده خلق است و باید برای موکلین خویش یعنی :

کارگران / دهقانان و خرده بورژوازی ، بورژوازی ملی انقلابی !!!
به رتق و فتق امور بپردازند و سپس قدم به قدم نیز وابستگیها را
قطع نموده و " استقلال " را کسب نمایند .

بنظر سازمان انقلابی :
" تضاد کارگران با بورژوازی / مسالمت آمیز میگردد / دولت نمایندده
خلق میشود / بورژوازی ملی انقلابی میگردد . . . و تازه آقایان معتقد
ند که " مارکسیسم تا کنون نتوانسته است ایرانی شود " .

(رنجبر شماره ۱۱)

آری آقایان ، مارکسیسم شما حتی ایرانی هم نیست . . . مارکسیسم
شما چینی و هیتلر است .

جنبه هائی از ابتذال " مارکسیسم " سازمان انقلابی

همانطور که قبلا اشاره شد ملی " بودن بورژوازی و یا ایرانی
بودن آن ماهیت بورژوازی را تغییر نمیدهد هنگامیکه صحبت از منافع
بورژوازی و پرولتاریا بمثابه دو طبقه متمایز و متخامم که یکی صاحب
وسائل تولید و دیگری فاقد آنست - میگردد مقصود نشان دادن وجهه
اساسی خواست طبقاتی این دو طبقه متمایز اجتماعی است . اساسی
ترین خواست بورژوازی حفظ مالکیت خویش بر وسائل تولید و ازدیاد -
ارزش اضافی از طریق استثمار کارگران است و بالعکس خواست طبقاتی
پرولتاریا از بین بردن مالکیت خصوصی و استثمار میباشد . لازمه
وجود طبقه سرمایه دار ، خیل عظیم توده های بی چیز پرولتر است
بدون وجود این مناسبات نه بورژوازی مفهومی دارد و نه پرولتاریا
لازمه وجود بورژوازی استثمار کارگران و مالکیت خصوصی است و لازمه
رهائی از قید مزدوری نابودی مالکیت خصوصی و نابودی بورژوازی به

مثابه یک طبقه است چنین تضاد منافی - که تضاد ماهوی سیستم سرمایه داری است - تنها زمانی بسود اکثریت زحمتکشان حل میگردد که بورژوازی به مثابه یک طبقه اجتماعی نیست و نابودگردد. این تضاد از آنرو که به موجودیت طرفین وابستگی دارد ماهیتا - آنتاگونیستی و آشتی ناپذیر است بعبارت دیگر آشتی ناپذیر بودن یک تضاد در ماهیت آن پدیده نهفته است و نه در شیوه حل آن این اتخاذ تاکتیک مسالمت آمیز نیست که چگونگی تضاد به نفع پرولتاریا را حل مینماید. این واقعیت است که آزادی پرولتاریا در گرو نابودی بورژوازی است. با اینحال سازمان انقلابی بر آنست که این تضاد مسالمت آمیز است.

جنبه دیگر ابتذال آقایان نیز دولت تمام خلقی و نماینده - خلق میباشد.

مادر همین مقاله به نکاتی در این مورد اشاره نموده ایم و صرفا در اینجا با نقل قولی از انگلس این بخش بحث خویش را خاتمه میدهیم.

" از آنجائیکه دولت فقط یک شکل گذراست که در نبرد، در انقلاب، مورد استفاده قرار میگیرد تا مخالفین را بطور قهر آمیز سرکوب کند، بی معناست اگر از دولت خلقی آزاد سخن بگوئیم
نامه انگلس به بیل ۲۸ مارس ۱۸۷۵)

+++++

انحراف سازمان انقلابی انحرافی صرفاً ایدئولوژیک نبوده ، بلکه درسک کارومنش سیاسی این سازمان نیزبخوبی دیده میشود منشی که اپورتونیسیم عریان وشیادی سیاسی رادرتمام جنبه های آن بنمایش میگذارد. سازمان " انقلابی " که ازاین پس بایسد آنرا سازمان " اسلامی " خواندودرتبلیغات خودهمه جا خودرا "مستقل " و " ملی " خوانده وسی درفریب دادن توده توده هامبنی برعدم — وابستگی خویش مینماید ، سازمانی است که تا همین چندی پیش — بلتدگوی فارسی زبان چین بودونه تنها تزه های ارتجاعی چون " تز سه جهان " را تبلیغ مینمود بلکه از رژیم شاه بعنوان یک رژیم "مستقل" و " ملی " دفاع میکرد. سازمان انقلابی سازمانی است که امروز شیادانه سرسپردگی خود به یک ابرقدرت دیگر — یعنی دولت چین — را انکار مینماید / و تمامی مخالفین سیاسیش را در ردیف حزب توده قرار داده و آنان را چون حزب توده وابسته به شوروی قلمداد میکند — سازمان انقلابی در عطل چندین ساله خویش نشان داده است که براستی چیزی از حزب توده کم ندارد وبه راحتی میتواند چون آنان در صف حزبالله قرار گیرد و ضربات مؤثری به جنبش چاپایران وارد آورد . ما بحث مفصلتر خط منشی سیاسی و تزه های سازشکارانه و ارتجاعی سازمان " انقلابی " از جمله تزسه جهان و نیز بررسی سرسپردگی این سازمان به ابرقدرت چین را به مقاله دیگری واگذار مینمائیم . این نوشته در واقع فقط گامی نخست در افشای همه جانبه ایسن سازمان میباشد .

مقاله مزبور از هفته‌نامه رهائی
شماره ۶ به تاریخ سه شنبه ۳۰
مرداد ۱۳۵۸ نقل شده‌است.

« ملی » بودن بورژوازی و یا ایرانی بودن آن ماهیت بورژوازی را
تغییر نمیدهد. هنگامیکه صحبت از منافع بورژوازی و پروتاریا
بمشابه دو طبقه متمایز و متخاصم - که یکی صاحب وسائل تولید و
دیگری فاقد آن است - میگردد مقصود نشان دادن وجه اساسی خواست
طبقاتی این دو طبقه متمایز اجتماعی است .

تکثیر از هواداران سازمان
وحدت کمونیستی در
سوئد